

شرق

روزنامه

www.sharghdaily.ir
 پنجشنبه ۲۱ مرداد ۱۴۰۰ • ۳ محرم ۱۴۴۳ • ۱۲ آگوست ۲۰۲۱
 سال هجدهم • شماره ۴۰۷۳ • ۱۲ صفحه
 اذان ظهر تهران ۱۳:۰۹ • اذان مغرب ۲۰:۱۷
 اذان صبح فردا ۴:۴۹ • طلوع آفتاب ۶:۲۲
 fardashargh@gmail.com
روزنامه‌فروا

مراسم سوگواری شب‌های ماه محرم با رعایت فاصله‌گذاری اجتماعی در فضای باز پارکینگ پارک ارم برگزار است. عکس: سعید سجادی، فارس



قسم برای زنده ماندن
 عکس‌هایی که از مراسم عزاداری ماه محرم و سیدالشهدا در روزهای اول در شهرهای تهران، مشهد و خمینی‌شهر از سوی هیئت‌های برگزارکننده منتشر شده بود، نگرانی‌های عمیقی را به وجود آورد. به طوری که حتی مسئولان بلندپایه کشور تأکید کردند که قرار است به این هیئت‌ها هشدار داده شود و در صورت عدم توجه مانع آنها شوند. پیش از این سازمان تبلیغات اسلامی تأکید کرده بود که عزاداری‌ها در محیط‌های باز برگزار خواهند شد هرچند افرادی نظیر پیام طبهرسی، رئیس بخش بیماری‌های عفونی بیمارستان مسیح دانشوری، معتقدند با توجه به جهش‌های کرونا و قدرت انتقال سویه دلتا، احتمال سرایت بیماری در فضای باز نیز وجود دارد. در این میان بسیاری از افراد مذهبی شناخته‌شده درخواست رعایت‌کردن آیین‌نامه‌ها را در این روزهای وحشتناک اوج‌گیری کرونا را داشتند. نرم‌افزار «ماسک» که رنگ‌آمیزی روزانه شهروان بر اساس تعداد مبتلایان

زنجیره‌امید
 پروژه‌ی کودکی‌اش طرح‌بلندمدتی یک‌کشیم

مؤسسه خیریه بین المللی زنجیره امید

ارائه دهنده خدمات کیفی درمانی فوق تخصصی رایگان برای کودکان زیر ۱۸ سال مبتلا به بیماری های قلبی ، ارتوپدی و ترمیمی بدون در نظر گرفتن دین ، نژاد و ملیت

درمان بیش از ۱۴۰۰۰ کودک بیمار

در حال ساخت و بهره برداری از بزرگ ترین بیمارستان فوق تخصصی کودکان زنجیره امید

#*۷*۳*۷*

آدرس : میدان تجریش . خیابان فناخسرو . پلاک ۳۱

zanjirehmid

۰۲۱ - ۲۲۷۴۷۶۸۱

زندگی دیگران

آوارگی که دوباره آغاز شده است

جنگ در افغانستان به لحظات حساسی رسیده است، با اینکه به قطر برای مذاکرات می‌روند، اما هدف این است که کسی نتواند جلوی پیشروی طالبان را بگیرد. طالبانی که حالا اعلام کرده بدخشان را نیز گرفته است، زنان در حال حاضر تصور برگشت به زیر سلطه طالبان را ندارند. یکی از آنان نوشته بود: مرا حلال کنید. تا آخرین قطره خون می‌جنگم، اما در جایی که طالبان حکمفرمایی کنند، زندگی نمی‌کنم.

برخی از مهاجران به ایران پناه آورده‌اند و برخی در گوشه و کنار کشور سکنی گزیده‌اند. در روزنامه هشت صبح چاپ افغانستان هم گزارشی درباره رسیدگی به درخت‌های پایتخت، «کابل»، وجود دارد و هم خبرهای جنگ پیگیری می‌شود. گزارشی از آوارگان هرات، جزئیاتی درباره این روزهای سخت آنان می‌نویسد که نشان از روزهای تلخ و سخت پیش‌رویشان دارد؛ بیش از ۴۵۰ زنان، کودکان، افراد کهن‌سال و خانواده‌هایی که تمام دارونشان را در مناطق جنگی رها کرده و روی چند تکه فرش کهنه در محوطه محل اسکان موقت، در این مکان زندگی می‌کنند؛ مردمی که وحشت جنگ را با گوشه‌ت و پوست خود حس کرده بودند، هراسی از کرونا نداشتند. افراد نیکوکار با گردآوری کمک‌های مردمی، در آشنیخانه‌ای که در این محل هست، برای آوارگان غذای چاشت و شام علاوه بر جای تهیه کرده‌اند. وقتی وارد شد، آنها در حال توزیع غذای چاشت بودند.

چند تکه نان خشک، شوربا و چای برای همه خانواده‌ها توزیع می‌شد. مسئول مرکز روایت می‌کرد تاکنون مشکلی در توزیع غذا به وجود نیامده و در آینده هم چشم‌امیدشان به افراد نیکوکار است تا هزینه توزیع غذا را فراهم کنند تا شکم آوارگان خالی نماند.



به نوشته گزارشگر این روزنامه، «برخی خانواده‌ها در کلاس‌های درسی، برخی داخل یک سالن نسبتاً کلان و شماری هم زیر سایه دیوارها و درختان با اندک‌ترین امکانات رفاهی شب و روز خود را سپری می‌کنند و منتظرند با بهبود وضعیت امنیتی، به خانه بازگردند. چند خانواده که کودکان قدونیم‌قد دارند، نوزادان خود را با چادرهایی که به دو سوی درختان بسته‌اند، پناه داده‌اند تا از شر گرمای طاقت‌فرسای تابستان در امان بمانند. ترس، ناراحتی و نگرانی در چهره تمام خانواده‌ها هویداست.

چند روز پیش وقتی جنگ شدید میان طالبان و نیروهای حکومتی آغاز شد، مردم مجبور شدند خانه‌هایشان را رها کنند. برای مردی که در روزگار کودکی گواه جنگ‌های داخلی، مهاجرت مردم به کشورهای همسایه و ویرانی کشور بوده و داستان بدبختی و آوارگی مردم را با چشم تماشا کرده است، حالا انگار زمان برایش به عقب برگشته و دوباره در میان‌سالانی با هشت نفر از اعضای خانواده‌اش آواره شده است.

از ته دل آهی کشید و گفت: «با دنیایی از امید، چند سال پیش پاکستان را ترک کردم و به کشورم آمدم، اما حالا مردم دوباره به پاکستان و ایران مهاجر و آواره می‌شوند». نگرانی از چشم‌های بی‌رقم این مرد به خوبی حس می‌شد و نمی‌دانست جنگ افغانستان چه زمانی تمام خواهد شد.

نوجوانی حدوداً ۱۲ تا ۱۳ساله که آرزوی خلبان شدن را داشت، سرگردان از تعطیلی درس و مدرسه بود و نمی‌دانست دست سرنوشت چه داستانی را در کتاب زندگی‌اش نوشته و آینده او چه خواهد شد. باین حال خبرهای جنگ در سایر ولایت‌ها را از طریق شبکه‌های اجتماعی دنبال کرده و می‌دانست «طالبان» شهر شیرخان و قصر مارشال دوستم را تصرف کرده‌اند.

یکی از حاضران در اردوگاه با تردید می‌گفت «طالبان در مناطقی که تصرف کرده‌اند، به هیچ‌کاری نگران ندارند و مردم می‌توانند به خانه‌هایشان رفت‌وآمد کنند».

این روزها افغانستان در آتش جنگ می‌سوزد و مردمش بیش از هر زمان دیگری تشنه صلح‌اند؛ والدین نگران آینده فرزندان‌شان در میان دود و باروت جنگ هستند و تازه این اول راه آوارگی آنان است. از سویی دیگر، مدام اطلاعیه‌های خروج سفارتخانه‌ها منتشر می‌شود و این مردم افغانستان را بیشتر عاصی و نگران می‌کند. از نظر آنها، خروج شهروندان خارجی از کشور یک امر طبیعی و معمول است و از سفارتخانه‌هایشان درخواست می‌کنند با نشر اطلاعیه‌ها، وحشت و نگرانی را در بین مردم بیشتر نکنند. بتول سیدحیدری، استاد دانشگاه، می‌گوید همکاری‌کردن اطلاعیه سفارتخانه‌های خارجی در کابل مبنی بر خروج عاجل شهروندانشان از افغانستان، سبب ترس و وحشت در بین مردم، به ویژه بین زنان و دختران شده است. این روزهای پرهراس برای مردم افغانستان است و ما مردم ایران به هر راهی که می‌توانیم باید در کنارشان باشیم.

گزارش

ایرج راد از روزگار کرونایی می‌گوید

استیصال دلتایی ایران

این مسئله جلب‌کنند؛ تنها کار عاقلانه‌ای که از دست شهروندان مسئول برمی‌آید. دو روز پیش خانه تئاتر ایران به‌عنوان یک تشکل صنفی، در بیانیه‌ای از فاجعه کرونا در ایران ابراز نگرانی کرد. آمده است: «دولتمردان پرافتخار ایران! شما که



مدیریت‌تان در هر بخش، مخصوصاً مهار و کنترل ویروس کووید۱۹ دنیا را به تحسین وادار کرده است؛ کار مردم بی‌پناه ایران از «فاجعه» گذشته و به «آمار» تبدیل شده: «در هر شبانه‌روز، ده‌ها ایرانی به خاطر ابتلا به ویروس کرونای دلتا جان می‌بازند». تاریخ درباره شما و آنچه باید انجام می‌دادید و ندادید، قضاوت خواهد کرد؛ در هر دو دقیقه جان‌باختن یک ایرانی حق ما نبود». در پی این بیانیه با هیئت مدیره خانه تئاتر به گفت‌وگو نشستیم. ایرج راد از وضعیت این روزهای ایران به ستوه آمده و تنها واژه «استیصال» می‌تواند حال او را توصیف کند. ایرج راد می‌گوید: «دیگر گفتن این حرف‌ها و این هشداردادن‌ها مؤثر نیست! وقتی در چنین حجم عظیمی روزانه هم‌وطن‌های ما می‌میرند، دیگر جسی تذکره‌دانی ما و شما نیست. ما حرف‌هایمان را زده‌ایم و هشدارها را داده‌ایم؛ آنچه اکنون در ایران در جریان است، یک مرگ جمعی است. عجیب این است که هیچ تلاشی هم برای مهار آن نمی‌شود. وقتی شما با یک بیماری مواجه هستید که سرعت سرایت آن به‌شدت بالاست، حداقل باید خدماتی را تعریف کنید که مبتلایان چندان در چرخه انتقال بیماری قرار نگیرند. شما الان برای انجام یک تست ساده کرونا باید به چند مرکز با شرایط مختلف سر بزیند و در شلوغی این مراکز، خطر ابتلا را هم به جان خرید تا تست کرونا انجام دهید؛ درحالی‌که مسئله ساده‌ای مثل تست کرونا باید رایگان و در اختیار همه باشد. شما از این مسئله ساده بگریزد تا موضوعات دیگری که به درمان این بیماری ربط دارد مانند پیداکردن دارو یا خدمات پزشکی، همه و همه با سختی‌ها و مشقاتی حاصل می‌شود که نتیجه آن در صحنه بودن بیشتر افراد مبتلا و گسترش هرچه بیشتر این بیماری در کشور است. چه تعداد باید در این کشور کشته بدهیم و چرا باید این جان‌های عزیز کشته شوند؟ اینها همه تکرار مکررات است و نه من بلکه هرکسی که دلش برای این آب و خاک و مردم می‌سوزد، تاکنون بارها گفته ولی افسوس که شنیده نمی‌شود».

یادداشت

چالش ثبت میراث طبیعی پارک طبیعت پردیسان علی جهانی*

گیاهی، جانوری و زیستگاه‌های آنها تعیین و تحت حفاظت و بهره‌برداری پایدار قرار می‌گیرد. از این نظر وزارتخانه مذکور با تکیه بر دستورالعمل‌های یونسکو مدعی ثبت پارک طبیعت پردیسان است. اما به‌راستی متولی حفاظت از تنوع زیستی پارک طبیعت پردیسان کدام نهاد است؟ در این راستا سازمان حفاظت محیط زیست به دلیل برخوردراری از تجربه بالاتر در امر حفاظت، متخصصان بیشتر در حوزه حفاظت از تنوع زیستی، نقش راهبردی در مدیریت پارک پردیسان، بسترهای قانونی تعریف‌شده در سطوح بین‌المللی و سایر موارد دیگر اولویت بالاتری در ثبت این پارک به‌عنوان یک اثر طبیعی ملی و تحت طبقه‌بندی اتحادیه جهانی حفاظت از طبیعت دارد. حال آنکه برخی از آثار طبیعی کشور در هر دو نهاد ثبت شده‌اند که می‌توان به مواردی چون قله دماوند، غار علیصدر، سرو ابرکوه و... اشاره کرد. درحال‌حاضر میراث طبیعی ثبت‌شده توسط وزارت میراث فرهنگی حدود ۲۰۵ مورد و آثار طبیعی ملی ثبت‌شده توسط سازمان حفاظت محیط زیست حدود ۳۵ مورد است. هرچه هست، در مدیریت این آثار توسط سازمان حفاظت محیط زیست رنگ‌وبوی حفاظت بیشتر احساس می‌شود، درحالی‌که وزارت میراث فرهنگی، مدیریت گردشگری در این آثار را با جدیت دنبال می‌کند. این مدیریت دوگانه در کشور به‌صورت مدیریت چندگانه در پارک طبیعت پردیسان درحال ظهور است و شهرداری تهران نیز قطعاً نقش پررنگی در آینده این پارک خواهد داشت. بنابراین پیشنهاد می‌شود پیش از هرگونه اقدام درون سازمانی که عدم همراهی و مخالفت سایر دستگاه‌های متولی امر حفاظت از طبیعت را به همراه دارد، به بررسی موضوع در جلسات بین‌بخشی در سطح کارشناسی و کسب نظر متخصصان مدیریت مناطق تحت حفاظت و تنوع زیستی کشور پرداخته شود تا خدای ناکرده پارک طبیعت پردیسان قربانی اقدامی عجولانه و فاقدکردن چشم‌جهت اصلاح ابرو نشود.

***دانشیار پژوهشگاه محیط زیست و توسعه پایدار**